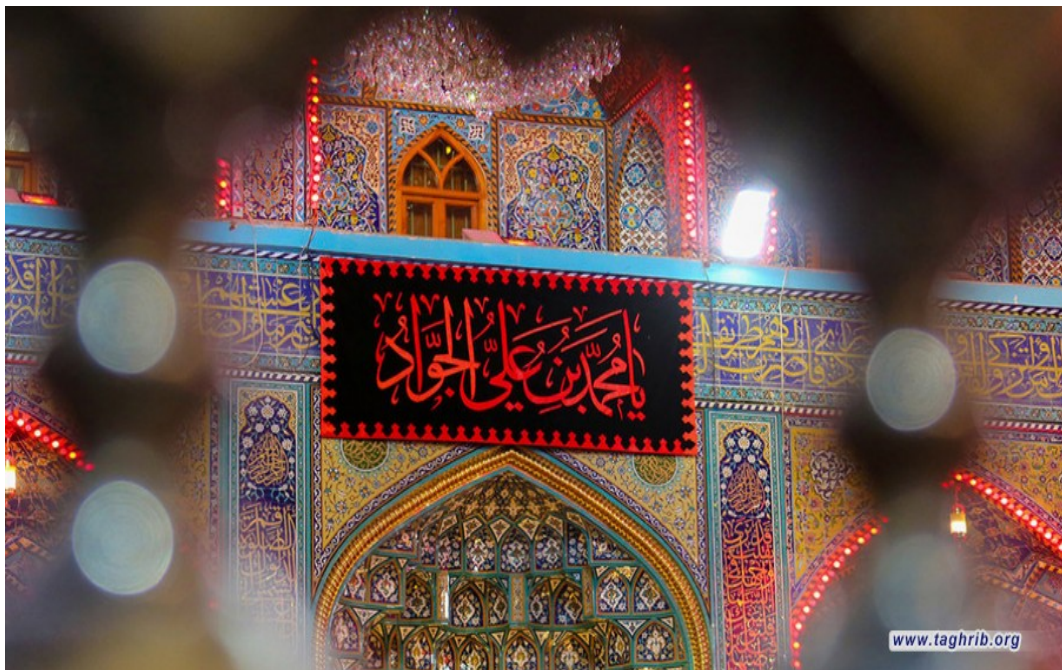


به مناسبت شهادت امام جواد علیه السلام ... تبلیغ دین از راه مناظره | قاطعیت در طرد افراد ناصالح



حضرت امام محمدتقی(ع)، میوه دل ثامن الحجج(ع) در دهم رجب ۱۹۵ در مدینه منوره زاده و بر شاخسار امامت شکوفا شدند. از ماه رمضان سال ۲۰۲ یا آخر ماه صفر ۲۰۳، که امام رضا(ع) در توس به شهادت نائل آمد، فرزندان آن حضرت، امام محمدتقی(ع)، به مقام امامت و پیشوایی امت مسلمان رسید.

یکی از القاب آن حضرت «تقی» است و این به خاطر جلوه و ظهور خاصی است که تقوای الهی آن امام همام در اجتماع آن روز نموده و جهانی از پاکی و عفاف و تقوا را فرا راه دیدگان قرار داده بود، والا تمامی معصومین(ع) برخوردار از صفت تقوا و عصمت الهی هستند.

جود و احسان

معروفترین لقب پیشوای نهم شیعیان جواد است. آن رهبر فرزانه را به خاطر جود و عطای فراوانش به این نام خوانده‌اند که برگرفته از نام‌های زیبای پروردگار متعال است. نام جواد یادآور جود و بخشش و احسان پروردگار متعال است که در وجود مقدس حضرت امام محمدتقی(ع) تجسم یافته است و کرامت و

احسان پدران بزرگوارش را در اذهان زنده می‌کند.

امام نهم(ع) در مقام رهبری امت اسلام، به عنوان الگوی دانشمندان جوان چنان در عرصه علم و دانش درخشید که دوست و دشمن را به تعجب و شگفتی واداشت. گفتگوها، مناظرات، پاسخ به شبهات عصر، گفتارهای حکیمانه و خطابه‌های آن گرامی، گواه روشنی بر این مدعاست.

در این مجال نگاهی گذرا داریم بر سیره اجتماعی حضرت جوادالائمه(ع) که می‌تواند چراغ هدایتی برای حیات طیبه بشر باشد.

تبلیغ از راه مناظره

بارزترین نوع تبلیغ امام جواد(ع) مناظره است. مناظره‌های آن حضرت که از نخستین روزهای امامتشان آغاز شد، ایشان را در تثبیت جایگاه ولایت و امامت، هدایت حق جویان و آشکار ساختن سستی گفتار ستمگران یاری داد. آن حضرت به دو جهت در عرصه مناظره‌های علمی گام نهاد. نخست، نیاز شیعیان که با توجه به سن اندک آن حضرت در پی کشف جایگاه معنوی ایشان بودند و دوم، خواست مأمون و معتصم که اندیشه خوار ساختن امام و اثبات الهی نبودن آگاهی‌های وی در سر می‌پروراندند.

خلفا می‌کوشیدند با برپا ساختن مجالس مناظره امامان شیعه را رو در روی برخی از دانشمندان بنام زمان قرار دهند تا شاید از پاسخ پرسشی باز مانند و جایگاه معنوی‌شان مورد تردید واقع شود. همچنین امام جواد(ع) در این مناظره‌ها پیش از هر چیز در پی اثبات حقانیت و امامت خود بودند. براساس گفته مورخان، امام جواد(ع) با آن که هفت سال بیشتر نداشتند، در یکی از محافل به ۳۰ پرسش پاسخ دادند. همچنین امام محمدتقی(ع) در مناظره چنان رفتار می‌کردند که نادرستی فضائل ساختگی خلفا آشکار شود.

پرورش دانش‌پژوهان روشن‌بین نیز در شمار روش‌های تبلیغی امام نهم شیعیان جای دارد. آن حضرت ضمن پاسداری از حوزه‌ای که امام صادق(ع) بنیان نهاده بود، ۲۷۰ شاگرد تربیت کردند که گروهی از آنان نیز از شاگردان امام هشتم شمرده می‌شدند.

اعزام نماینده

امام جواد(ع) برای خنثی ساختن تبلیغات شوم بنی عباس و ارائه اسلام راستین به مردم، نمایندگانی به مناطق مختلف گسیل می‌کردند. این نمایندگان، کارگزاران امام شمرده می‌شدند و در مراکزی چون؛ اهواز، همدان، سیستان، بست، ری، بصره، واسط، بغداد، کوفه و قم زمینه اتحاد شیعیان و پیوند آن‌ها با معصوم را فراهم می‌آوردند. ایشان همچنین به پیروانشان اجازه می‌دادند درون دستگاه حکومت نفوذ کنند و پست‌های حساس را در دست گیرند. «محمد بن اسماعیل بن بزيع» و «احمد بن حمزه قمی» از این فرصت بهره بردند و با رسیدن به موقعیت‌های ممتاز حکومتی در مسیر خدمت به دین و دین‌داران گام برداشتند. «حسین بن عباد» نیشابوری» حاکم بست و سیستان و «حکم بن علیا اسدی» حاکم بحرین، نیز از یاران حضرت شمرده می‌شدند و خمس دارایی‌شان را نزد وی گسیل می‌کردند.

یکی از خطراتی که همیشه بزرگان و رهبران یک مذهب یا کشور را تهدید می‌کند، وجود اطرافیان ناصالح است که به خاطر اغراض انحرافی، مادی یا اعتقادی پیرامون بزرگان را گرفته، بین آنان و مردم فاصله ایجاد و معمولاً راه‌های ارتباطی آنان را با مردم قطع می‌کنند. اگر بزرگان مواظب این گونه افراد نباشند، چه بسا زبان‌های جبران‌ناپذیری به بار خواهد آمد که جبران آن مشکل است. در زمان امام جواد(ع) نیز این گونه افراد با سوء استفاده از کمی سن امام، به خیال خود فکر می‌کردند می‌توانند بر امور امام مسلط شوند و هر طور که خواستند، عمل کنند. امام این خطر را احساس و بی هیچ اغماضی آنان را طرد کردند. ابوالعمر، جعفر بن واقد و هاشم بن ابی هاشم در شمار این افراد جای داشتند. امام درباره آنان فرمود: خداوند آنان را لعنت کند؛ زیرا به اسم ما از مردم اخاذی می‌کنند و ما را وسیله دنیای خود قرار داده‌اند.

نهی کردن از اظهارنظرهای کم‌مایه در امور دینی

کسانی می‌توانند در امور دینی اظهار نظر کنند که در این کار خبره باشند. اگر سیره ائمه معصومین(ع) را ملاحظه کنیم، احادیث بسیاری در نهی از فتوای بدون علم و اظهار نظرهای کم‌مایه در امور دینی می‌یابیم. بعد از شهادت امام رضا(ع)، وضعیت شیعیان مقداری متزلزل شد، به حدی که برخی از بزرگان مانند یونس بن عبدالرحمان نیز دچار لغزش شدند. در تاریخ آمده است: عده‌ای از بزرگان شیعه مانند ریان بن صلت، صفوان بن یحیی، یونس بن عبدالرحمان و دیگران در خانه عبدالرحمان بن حجاج در بغداد گرد آمدند و در سوگ امام رضا(ع) به گریه و زاری پرداختند. یونس به آنان گفت: از گریه دست بردارید. برای امر امامت چاره‌ای بیندیشید و ببینید تا این کودک -امام جواد(ع)- بزرگ شود، چه کسی عهده‌دار امامت شیعه گردد و ما مسائل خود را از چه کسی بپرسیم. در این هنگام، ریان بن صلت برخاست و گلوی یونس را فشرد و گفت: معلوم شد تو در عقیده‌ات در مورد امامت استوار نیستی، زیرا

اگر امر امامت از جانب خدا باشد، فرقی بین طفل یک روزه و پیرمرد صد ساله نیست. سپس حدود هشتاد نفر از بزرگان شیعه برای انجام مراسم حج و دیدار با امام جواد(ع) عازم مدینه شدند. آنها هنگام ورود به مدینه به خانه امام صادق(ع) که در آن هنگام خالی از سکنه بود، رفتند. بعد از مدتی عبداً بن موسی، عموی امام جواد(ع) وارد شد و در صدر مجلس نشست. شخصی بلند شد و گفت: عبداً پسر رسول خداست و هر کس پرسشی دارد، از او بپرسد. او می‌خواست زمینه جانشینی عبداً بن موسی را به جای امام رضا(ع) فراهم سازد. چند نفر از حاضران مسائلی را پرسیدند، ولی عبداً پاسخ‌های نادرست داد. شیعیان غمگین و ناراحت شدند و تصمیم گرفتند مدینه را ترک کنند. در این هنگام، امام جواد(ع) وارد شد، به پرسش‌های شیعیان پاسخ‌های درست و قانع‌کننده داد و خطاب به عمویش فرمود: عمو! از خدا بترس؛ چرا با این که در میان امت داناتر از تو وجود دارد، اظهار نظر می‌کنی؟ در قیامت چه جوابی خواهی داشت؟

افراط و تفریط ممنوع

خطر انحراف فکری همیشه جوامع را تهدید می‌کند. گروهی درباره مسائل اعتقادی راه افراط پیش می‌گیرند و عده‌ای راه تفریط. پیامبر بزرگوار اسلام(ص) هنگام رحلت، میزان و ملاک عقیده صحیح را معرفی فرمودند و کتاب و عترت را ملاک مصونیت از انحراف برشمردند. متأسفانه در بین مسلمانان و شیعیان همیشه عده‌ای گرفتار افراط و دسته‌ای درگیر تفریط بودند. محمد بن سنان از کسانی است که در محبت اهل بیت زیاده‌روی می‌کرد. به همین جهت برخی از علمای رجال، او را به غلو متهم می‌کنند. او می‌گوید: روزی خدمت امام جواد(ع) نشسته بودم و مسائلی از جمله اختلافات شیعیان را مطرح می‌کردم. امام فرمود: ای محمد! خداوند قبل از هر چیز نور محمد(ص) و علی(ع) و فاطمه(س) را خلق کرد؛ سپس اشیا و موجودات دیگر را آفرید، طاعت اهل بیت(ع) را بر آنان واجب کرد و امور آنها را در اختیار اهل بیت(ع) قرار داد. بنابراین، فقط اهل بیت(ع) حق دارند چیزی را حلال و چیزی را حرام کنند و حلال و حرام آنان نیز به اراده خداوند و با اجازه اوست. ای محمد! دین همین است. کسانی که جلوتر بروند، انحراف و کج رفته‌اند و کسانی که عقب بمانند، پایمال و ضایع خواهند شد. تنها راه نجات، همراهی اهل بیت(ع) است و تو نیز باید همین راه را طی کنی.

منبع: خبرگزاری بین المللی قرآن

